



shariatkhoda.org

ضمیمه Va: باکره‌ها، بیوه‌ها و زنان مطلقه: ازدواج‌هایی که خدا می‌پذیرد

این صفحه بخشی از مجموعه‌ای دربارهٔ پیوندهایی است که خدا می‌پذیرد و ترتیب آن به این صورت است:

1. ضمیمه Va: باکره‌ها، بیوه‌ها و زنان مطلقه: ازدواج‌هایی که خدا می‌پذیرد (صفحه کنونی).
2. ضمیمه Vb: نامه طلاق، حقایق و افسانه‌ها
3. ضمیمه Vc: مرقس ۱۱: ۱۰-۱۲ و برابری دروغین در زنا
4. ضمیمه Vd: پرسش و پاسخ — باکره‌ها، بیوه‌ها و زنان مطلقه

خاستگاه ازدواج در آفرینش

همگان می‌دانند که نخستین ازدواج بلافاصله پس از آن رخ داد که آفریننده، مؤنثی [נִקְבָּה (nēqēvāh)] را برای همدم نخستین انسان، مذکری [זָכָר (zākhār)] آفرید. «نر و ماده» — این‌ها اصطلاحاتی‌اند که خود آفریننده برای حیوانات و انسان‌ها به کار برد (پیدایش ۱: ۲۷). روایت پیدایش می‌گوید این مرد که به صورت و شباهت خدا آفریده شده بود، دریافت که هیچ‌یک از ماده‌های دیگر موجودات زمینی شبیه او نیستند. هیچ‌کدام او را جذب نکردند و او مشتاق همدمی بود. عبارت در اصل [עֵזֶר כְּנֶגְדּוֹ (ēzer kēnegdô)] است، به معنای «یاوری مناسب». و خداوند نیاز آدم را دید و تصمیم گرفت برای او مؤنثی، نسخهٔ مؤنثِ بدن او، بیافریند: «نیکو نیست که آدم تنها باشد؛ برای او معاونی مناسب بسازم» (پیدایش ۲: ۱۸). آنگاه حوا از بدن آدم ساخته شد.

نخستین پیوند بر اساس کتاب مقدس

بدین‌سان، نخستین پیوندِ جان‌ها شکل گرفت: بی‌هیچ مراسمی، بی‌هیچ نذر و سوگندی، بی‌هیچ شاهی، بی‌هیچ ضیافتی، بی‌هیچ ثبت رسمی و بی‌هیچ مجری. خدا به‌سادگی زن را به مرد عطا کرد و واکنش او این بود: «اکنون این است استخوانی از استخوان‌هایم و گوشتی از گوشتم؛ این، زن نامیده شود، زیرا از مرد گرفته شده است» (پیدایش ۲:۲۳). اندکی بعد می‌خوانیم که آدم با حوا نزدیکی کرد [yāda' – شناختن، نزدیکی جنسی داشتن] و او آبستن شد. همین تعبیر «شناختن»، همراه با بارداری، بعدها دربارهٔ پیوندِ قائن با همسرش نیز به‌کار رفته است (پیدایش ۴:۱۷). همهٔ پیوندهای یادشده در کتاب مقدس به‌سادگی از این قرار است که مردی دختری باکره (یا بیوه) را برای خود می‌گیرد و با او هم‌بستر می‌شود – تقریباً همیشه با تعبیر «شناختن» یا «نزد او رفتن» – که تأیید می‌کند پیوند واقعاً برقرار شده است. در هیچ روایت کتاب مقدسی گفته نشده که مراسمی، خواه مذهبی خواه مدنی، انجام گرفته باشد.

پیوند در نظر خدا چه زمانی رخ می‌دهد؟

پرسش محوری این است: **خدا چه زمانی ازدواج را واقع‌شده به حساب می‌آورد؟** سه گزینهٔ ممکن وجود دارد – یکی کتابی و حقیقی، و دو تای دیگر دروغین و ساختهٔ دست انسان.

۱. گزینهٔ کتابی

خدا مرد و زن را در همان لحظه‌ای متأهل می‌داند که زنِ باکره نخستین رابطهٔ رضایت‌مندانهٔ خود را با او برقرار می‌کند. اگر او پیش‌تر با مرد دیگری بوده است، پیوند فقط زمانی می‌تواند برقرار شود که مرد پیشین درگذشته باشد.

۲. گزینهٔ دروغینِ نسبی‌گرایانه

خدا زمانی پیوند را محقق می‌داند که زوج تصمیم بگیرند. به بیان دیگر، مرد یا زن می‌توانند هر تعداد شریک جنسی داشته باشند، اما تنها در روزی که تصمیم بگیرند رابطه‌شان جدی شده است – شاید چون می‌خواهند با هم زیر یک سقف بروند – خدا آنان را «یک تن» به حساب می‌آورد. در این نگاه، این مخلوق است نه خالق که تعیین می‌کند چه زمانی جانِ مرد به جانِ زن پیوند می‌خورد. حق کمترین پشتوانهٔ کتاب مقدسی برای این دیدگاه وجود ندارد.

۳. رایج‌ترین گزینهٔ دروغین

خدا تنها هنگامی پیوند را واقع‌شده می‌داند که مراسمی برگزار شود. این گزینه تفاوت چندانی با گزینهٔ دوم ندارد، زیرا در عمل تنها تفاوت، افزودنِ انسانیِ سومی به فرایند است؛ کسی مانند قاضی صلح، مأمور ثبت، کشیش،

شبان و مانند آن. در این گزینه نیز ممکن است زوج در گذشته چندین شریک جنسی داشته باشند، اما فقط اکنون که در برابر یک رهبر ایستاده‌اند، خدا دو جان را متحد می‌داند.

فقدان مراسم در ضیافت‌های عروسی

توجه داشته باشید که کتاب مقدس به چهار ضیافت عروسی اشاره می‌کند، اما در هیچ‌یک از این روایات، سخنی از مراسمی برای رسمیت‌بخشی یا برکت‌دادن به پیوند نیست. هیچ تعلیمی وجود ندارد که برای معتبر بودن پیوند نزد خدا، آیین یا روندی بیرونی لازم باشد (پیدایش ۲۹:۲۸-۲۸؛ داوران ۱۴:۱۰-۲۰؛ استر ۲:۱۸؛ یوحنا ۱۱-۲۰:۱). تأیید پیوند زمانی رخ می‌دهد که باکره با نخستین مرد خود به‌طور رضایت‌مندانه هم‌بستر می‌شود (نزدیکی). این اندیشه که خدا فقط هنگامی زوج را متحد می‌کند که آنان در برابر رهبر مذهبی یا قاضی صلح بایستند، هیچ پشتیبانی در کتاب مقدس ندارد.

PDF: [دانلود PDF شامل همه ازدواج‌های کتاب مقدس.](#)

زنا و شریعت خدا

از همان آغاز، خدا زنا را منع کرد؛ یعنی این‌که زنی با بیش از یک مرد رابطه داشته باشد. زیرا **جان زن در هر زمان، تنها می‌تواند با یک مرد بر روی زمین پیوند بخورد.** محدودیتی برای تعداد مردانی که زن در طول عمر خود می‌تواند داشته باشد وجود ندارد، اما هر رابطه جدید فقط زمانی می‌تواند رخ دهد که رابطه قبلی با مرگ پایان یافته باشد؛ زیرا تنها در آن هنگام است که جان مرد به سوی خدایی که از او آمده بود بازمی‌گردد (جامعه ۱۲:۷). به بیان دیگر، او باید بیوه باشد تا با مرد دیگری پیوند بخورد. این حقیقت به‌سادگی در کتاب مقدس تأیید می‌شود: هنگامی که داوود پادشاه، پس از شنیدن خبر مرگ نابال، برای ابیجایل فرستاد (اول سموئیل ۳۹:۲۵-۴۰)؛ هنگامی که بوعز، روت را به زنی گرفت، چون می‌دانست شوهرش، محلون، درگذشته است (روت ۴:۱۳)؛ و هنگامی که یهودا به پسر دومش، اونان، دستور داد تا با تamar ازدواج کند و به نام برادر درگذشته‌اش نسلی برپا سازد (پیدایش ۳۸:۸). همچنین بنگرید: متی ۵:۳۲؛ رومیان ۷:۳.

مرد و زن: تفاوت‌ها در موضوع زنا

امری که در کتاب مقدس به‌روشنی دیده می‌شود این است که زنا علیه زن وجود ندارد، بلکه تنها علیه مرد است. این اندیشه که بسیاری از کلیساهای تعلیم می‌دهند — این‌که مرد با جدا شدن از زنی و ازدواج با باکره یا بیوه‌ای دیگر، علیه همسر سابق خود زنا می‌کند — هیچ پشتوانه‌ای در کتاب مقدس ندارد و ریشه در عرف‌های اجتماعی دارد.

بخوانید: [مرقس ۱۰:۱-۱۲ و برابری دروغین در زنا.](#)

دلیل این امر را می‌توان در نمونه‌های فراوانی از خادمان خدا دید که با باکره‌ها و بیوه‌ها چندین ازدواج کردند بی‌آن‌که مورد نکوهش خدا واقع شوند — از جمله نمونه یعقوب که چهار زن داشت و از او دوازده سبط اسرائیل و خود مسیح پدید آمدند. هرگز گفته نشد که یعقوب با هر همسر تازه‌ای، مرتکب زنا شده است.

نمونه شناخته‌شده دیگر، زناکاری داوود بود. ناتان نبی هیچ سخنی از آن نگفت که وقتی داوود با بتشبع هم‌بستر شد، علیه هیچ‌یک از زنان پادشاه زنا رخ داده باشد (دوم سموئیل ۹:۱۲)، بلکه فقط علیه اوریا، شوهر او. به یاد داشته باشید که داوود پیش‌تر با میکال، ابیجایل و اخینوعم نیز ازدواج کرده بود (اول سموئیل ۴۲:۲۵). به عبارت دیگر، زنا همواره علیه مرد است و هرگز علیه زن نیست.

برخی رهبران دوست دارند ادعا کنند که خدا مرد و زن را در همه امور یکسان می‌سازد، اما این انعکاس آن چیزی نیست که در چهار هزار سال پوشش داده‌شده در کتاب مقدس مشاهده می‌شود. در کتاب مقدس حتی یک نمونه هم وجود ندارد که خدا مردی را به سبب زنا علیه همسرش توبیخ کرده باشد.

بخوانید: چرا عیسی امروز چند همسری را اجازه نمی‌دهد.

این بدان معنا نیست که مرد زنا نمی‌کند، بلکه بدان معناست که **خدا زنا را در مورد مرد و زن به گونه‌ای متفاوت می‌سنجد**. مجازات کتابی برای هر دو یکسان بود (لاویان ۱۰:۲۰؛ تثنیه ۲۲:۲۲-۲۴)، اما میان باکرگی مرد و ازدواج، پیوندی وجود ندارد. این زن است نه مرد که تعیین می‌کند آیا زنا رخ داده است یا نه. بر اساس کتاب مقدس، **مرد هرگاه با زنی که نه باکره است و نه بیوه، رابطه برقرار کند مرتکب زنا می‌شود**. برای نمونه، اگر مردی باکره و ۲۵ ساله با دختر ۲۳ ساله‌ای که پیش‌تر با مرد دیگری بوده است بخوابد، مرتکب زنا می‌شود — زیرا بر اساس نظر خدا، آن دختر، همسر مرد دیگری است (متی ۵:۳۲؛ رومیان ۷:۳؛ اعداد ۱۲:۵).

ازدواج پیومی (لویری) و حفظ نسل

این اصل — این‌که زن تنها پس از مرگ نخستین شوهر می‌تواند با مرد دیگری پیوند بخورد — در قانون ازدواج پیومی نیز تأیید شده است؛ قانونی که خدا برای حفظ دارایی خانوادگی عطا کرد: «اگر برادران با هم زندگی کنند و یکی از ایشان بدون داشتن فرزند بمیرد، زن متوفی به مرد غریبه‌ای بیرون از خانواده داده نشود. برادر شوهر باید نزد او برود، او را به زنی بگیرد و وظیفه برادر شوهر را نسبت به او انجام دهد...» (تثنیه ۵:۲۵-۱۰. همچنین بنگرید به پیدایش ۳۸:۸؛ روت ۱:۱۲-۱۳؛ متی ۲۲:۲۴). توجه داشته باشید که این قانون حتی اگر برادر شوهر، همسر دیگری هم داشت باید انجام می‌شد. در مورد بوعز، او حتی روت را به خویشاوند نزدیک‌تری پیشنهاد کرد، اما آن مرد نپذیرفت، چون نمی‌خواست همسر دیگری بگیرد و ناچار ارث خود را تقسیم کند: «در روزی که زمین را از دست نعومی می‌خری، باید روت موآبی، زن مرد درگذشته را نیز به دست آوری تا نام مرد درگذشته را بر میراث او بری بداری» (روت ۴:۵).

دیدگاه کتاب مقدس درباره ازدواج

نگاه کتاب مقدس به ازدواج، همان گونه که در نوشته های مقدس آمده، روشن و متمایز از سنت های انسانی امروز است. خدا ازدواج را پیوندی روحانی بنا نهاد که با هم بستری مرد با باکره یا بیوه ای کامل می شود، بی آن که نیازی به مراسم، مجریان یا آیین های بیرونی باشد.

این بدان معنا نیست که کتاب مقدس، برگزاری مراسم را به عنوان بخشی از عروسی ها منع می کند، بلکه باید روشن باشد که نه شرطانده و نه تأییدکننده وقوع پیوند جان ها بر اساس قانون خدا.

پیوند تنها در لحظه رابطه رضایت مندانه معتبر شمرده می شود؛ امری که نظم الهی را بازمی تاباند که زن تا هنگام مرگ شوهر — که آن پیوند را می گسلد — تنها با یک مرد پیوند داشته باشد. نبود اشاره به مراسم در ضیافت های عروسی کتاب مقدس تأکید می کند که تمرکز بر عهد صمیمانه و مقصود الهی استمرار نسل است، نه تشریفات انسانی.

نتیجه گیری

در پرتو همه این روایات و اصول کتاب مقدس، روشن می شود که تعریف خدا از ازدواج، ریشه در طراحی خود او دارد، نه در سنت های انسانی یا تشریفات قانونی. آفریننده از آغاز، معیار را تعیین کرد: ازدواج در نظر او زمانی مهر می خورد که مرد با زنی که برای ازدواج آزاد است — یعنی باکره یا بیوه — با رضایت، پیوند برقرار کند. هرچند مراسم مدنی یا مذهبی می تواند اعلامی عمومی باشد، اما در تعیین صحت پیوند نزد خدا اعتباری ندارد. آنچه اهمیت دارد اطاعت از نظم او، احترام به قداست عهد زناشویی، و وفاداری به فرامین اوست؛ فرمان هایی که مستقل از دگرگونی های فرهنگی یا نظر انسان، تغییرناپذیر می مانند.